

The Role of Media Literacy Education in Reducing the Vulnerability of Female Elementary School Students in Cyberspace in Sirjan

Fatemeh-Sadat Hossieni Afshar¹✉, Seyed Ahmad NezhadSajadi²

1. M.A. Student in Sports Pathology and Corrective Exercises, Payame Noor University, Tehran South, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: f.hosseini.afshar@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Physical Education, Faculty of Physical Education, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Kerman, Iran.

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Article History: • Received 05/15/2026 • Accepted 06/16/2026 • Published online 06/21/2026 Keywords: Media literacy, Cyberspace, Digital vulnerability, Digital security, Elementary students.	Objective: The expansion of information and communication technologies and children's increasing access to the internet, social networks, and digital media have created new opportunities and challenges in education and child development. Elementary school students, particularly girls, are more vulnerable to cyberspace harms due to their developmental, cognitive, and emotional characteristics. These harms include exposure to inappropriate content, internet dependency, cyberbullying, disclosure of personal information, and privacy violations. The present study aimed to examine the role of media literacy education in reducing the vulnerability of female elementary school students in Sirjan, Iran, in virtual environments. In terms of purpose, this study is applied, and methodologically, it adopts a review-based analytical approach. Methods: The research was conducted through the examination of scientific sources, previous studies, and valid national and international documents. Results: The findings indicate that media literacy education can effectively reduce students' vulnerability by strengthening critical thinking, improving information evaluation skills, identifying misinformation, observing digital security principles, protecting privacy, and managing online behaviors. Conclusions: Moreover, cooperation among families, schools, and the educational system in designing and implementing coherent media literacy programs plays an important role in promoting children's digital safety and well-being. Overall, media literacy education is considered a preventive and necessary strategy for educating aware, responsible, and capable students in today's digital society.

Cite this article: Hosseini Afshar, F. S., NezhadSajadi, S. A. (2026), The Role of Media Literacy Education in Reducing the Vulnerability of Female Elementary School Students in Cyberspace in Sirjan. *Journal of Sport, Education, and Mental Health*, 1 (1), 32-52. DOI: <https://doi.org/>



نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی سیرجان در فضای مجازی

فاطمه‌السادات حسینی‌افشار^۱ ، سیداحمد نژادسجادی^۲ 

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد آسیب‌شناسی ورزشی و تمرینات اصلاحی دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

f.hosseiniafshar@gmail.com

۲. دانشیار گروه تربیت‌بدنی، دانشکده تربیت‌بدنی، دانشگاه ولی عصر رفسنجان (عج)، کرمان، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

هدف: گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش دسترسی کودکان به اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال، فرصت‌ها و چالش‌های نوینی را در حوزه آموزش و تربیت ایجاد کرده است. دانش‌آموزان دوره ابتدایی، به‌ویژه دختران، به دلیل ویژگی‌های رشدی، شناختی و عاطفی خود، در برابر آسیب‌های فضای مجازی از جمله مواجهه با محتوای نامناسب، وابستگی به اینترنت، آزار و اذیت سایبری، افشای اطلاعات شخصی و نقض حریم خصوصی آسیب‌پذیرتر هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی شهر سیرجان در فضای مجازی انجام شده است.

روش پژوهش: این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، مروری - تحلیلی است و بر پایه بررسی منابع علمی، پژوهش‌های پیشین و اسناد معتبر داخلی و خارجی سامان یافته است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش سواد رسانه‌ای از طریق تقویت تفکر انتقادی، توانایی ارزیابی اطلاعات، تشخیص اخبار نادرست، رعایت اصول امنیت دیجیتال، حفاظت از حریم خصوصی و مدیریت رفتارهای آنلاین می‌تواند نقش مؤثری در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان ایفا کند.

نتیجه‌گیری: همچنین همکاری خانواده، مدرسه و نظام آموزشی در طراحی و اجرای برنامه‌های منسجم سواد رسانه‌ای، عاملی مهم در ارتقای سلامت و امنیت دیجیتال کودکان است. در مجموع، آموزش سواد رسانه‌ای راهبردی پیشگیرانه و ضروری برای تربیت دانش‌آموزانی آگاه، مسئول و توانمند در جامعه دیجیتال محسوب می‌شود.

کلیدواژگان:

سواد رسانه‌ای،

فضای مجازی،

آسیب‌پذیری دیجیتال،

امنیت دیجیتال،

دانش‌آموزان ابتدایی.

استناد: حسینی‌افشار، فاطمه‌السادات، نژادسجادی، سیداحمد. (۱۴۰۵)، نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره

ابتدایی سیرجان در فضای مجازی. نشریه ورزش، آموزش و سلامت روان، ۱ (۱)، ۳۲-۵۲. <https://doi.org/>



© نویسندگان.

ناشر: واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

قرن بیست و یکم را می‌توان عصر اطلاعات، ارتباطات و فناوری‌های دیجیتال دانست؛ عصری که در آن پیشرفت‌های شتابان فناوری اطلاعات و ارتباطات، شیوه‌های زندگی، آموزش، یادگیری، تعاملات اجتماعی و حتی فرآیندهای هویت‌یابی انسان را دگرگون ساخته است. اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، تلفن‌های هوشمند، رایانه‌ها و سایر ابزارهای دیجیتال امروزه نه تنها ابزارهایی جانبی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از زیست روزمره افراد به شمار می‌آیند. در این میان، کودکان و دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و در عین حال حساس‌ترین گروه‌های کاربر فناوری‌های نوین، از سنین پایین با رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی در ارتباط قرار می‌گیرند و بخش قابل توجهی از اوقات خود را در محیط‌های آنلاین صرف سرگرمی، بازی، ارتباطات اجتماعی، جست‌وجوی اطلاعات و فعالیت‌های آموزشی می‌کنند. این وضعیت، از یک سو فرصت‌های کم‌سابقه‌ای برای یادگیری، دسترسی به منابع اطلاعاتی و توسعه مهارت‌های ارتباطی فراهم کرده و از سوی دیگر، زمینه مواجهه زودهنگام کودکان با پیام‌ها، محتواها و تعاملاتی را ایجاد کرده است که لزوماً متناسب با سطح رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی آنان نیستند (Castells, 2018; Livingstone, 2014; Shokrkhah, 2011). فضای مجازی در کنار ظرفیت‌های گسترده آموزشی و ارتباطی، با مجموعه‌ای از تهدیدها و آسیب‌های بالقوه همراه است که می‌تواند کودکان و دانش‌آموزان دوره ابتدایی را در معرض خطر قرار دهد. مواجهه با محتوای نامناسب، ارتباط با افراد ناشناس، آزار و اذیت سایبری، افشای اطلاعات شخصی، وابستگی به اینترنت و بازی‌های آنلاین، کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره، پذیرش اخبار جعلی و تأثیرپذیری از الگوهای رفتاری ناسالم، از جمله مهم‌ترین چالش‌هایی هستند که در ادبیات پژوهشی این حوزه مورد توجه قرار گرفته‌اند. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم کودکان به دلیل محدودیت در تفکر انتزاعی، ضعف در ارزیابی انتقادی اطلاعات و ناتوانی در تشخیص اهداف پنهان تولیدکنندگان محتوا، نسبت به بزرگسالان آسیب‌پذیری بیشتری در برابر پیام‌های رسانه‌ای دارند. بنابراین، مواجهه کودکان با فضای مجازی صرفاً یک مسئله فناورانه نیست، بلکه موضوعی تربیتی، شناختی، اجتماعی و فرهنگی است که نیازمند مداخله آموزشی هدفمند است (Smith et al., 2019; Hosseini et al., 2019; Seif, 2021).

مطالعات انجام‌شده در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که افزایش دسترسی کودکان و نوجوانان به اینترنت، اگرچه موجب گسترش فرصت‌های یادگیری و مشارکت اجتماعی شده است، اما هم‌زمان احتمال مواجهه آنان با خطراتی نظیر آزار سایبری، محتوای آسیب‌زا، سوءاستفاده از اطلاعات شخصی و اطلاعات نادرست را نیز افزایش داده است. لیوینگستون و همکاران در بررسی رفتارهای اینترنتی کودکان نشان دادند که ایمنی کودکان در فضای مجازی صرفاً از طریق محدودسازی دسترسی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند آموزش مهارت‌های شناختی و انتقادی برای استفاده آگاهانه از رسانه‌هاست. همچنین پژوهش‌های مربوط به شهروندی دیجیتال و امنیت آنلاین نشان داده‌اند که کودکانی که مهارت‌های لازم برای تحلیل پیام‌ها، حفاظت از حریم خصوصی و رفتار مسئولانه در فضای مجازی را می‌آموزند، کمتر درگیر رفتارهای پرخطر اینترنتی می‌شوند و توانایی بیشتری در مدیریت تعاملات آنلاین خود دارند (Jacobs, 2015 & Mitchell, 2017; Flanagan & Livingstone, 2021; Jones). در چنین زمینه‌ای، «سواد رسانه‌ای» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تربیتی برای کاهش آسیب‌پذیری کاربران، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، مطرح شده است. سواد رسانه‌ای مفهومی چندبعدی است که به توانایی دسترسی، تحلیل، ارزیابی، تفسیر و تولید مسئولانه پیام‌های رسانه‌ای اشاره دارد و در عصر دیجیتال، پیوند نزدیکی با سواد اطلاعاتی، سواد دیجیتال، تفکر انتقادی و شهروندی دیجیتال پیدا کرده است. از منظر نظری، سواد رسانه‌ای تنها به مهارت استفاده ابزاری از رسانه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه شامل درک سازوکار تولید پیام، شناخت اهداف آشکار و پنهان رسانه‌ها، ارزیابی اعتبار منابع، تشخیص اخبار جعلی، تحلیل پیام‌های تبلیغاتی، حفظ حریم خصوصی، رعایت اخلاق ارتباطی و مشارکت مسئولانه در محیط‌های آنلاین است. به بیان دیگر، فرد برخوردار از سواد رسانه‌ای، مصرف‌کننده منفعل پیام‌های رسانه‌ای نیست، بلکه کنشگری آگاه است که می‌تواند پیام‌ها را

تحلیل کند، درباره اعتبار آن‌ها داوری کند و در برابر تأثیرات فریبنده یا آسیب‌زای رسانه‌ها مقاومت شناختی و رفتاری نشان دهد (Hobbs, 2010; Potter, 2013; Hobbs, 2020; McDougall, 2022).

اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در دوره ابتدایی از آن جهت برجسته است که این دوره یکی از بنیادی‌ترین مراحل رشد شناختی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی کودکان محسوب می‌شود. در این مرحله، بسیاری از عادت‌های رفتاری، الگوهای ارتباطی و نگرش‌های اولیه نسبت به جهان اجتماعی شکل می‌گیرد و تجربه‌های رسانه‌ای کودکان می‌تواند تأثیری ماندگار بر شخصیت، هویت و رفتارهای آینده آنان داشته باشد. بر اساس دیدگاه‌های روان‌شناسی رشد و یادگیری، دانش‌آموزان دوره ابتدایی هنوز در بسیاری از موقعیت‌ها نیازمند هدایت، الگوسازی و آموزش مستقیم برای تشخیص درست از نادرست، ارزیابی پیام‌ها و کنترل رفتارهای خود هستند. از این رو، آموزش سواد رسانه‌ای در این دوره می‌تواند نقشی پیشگیرانه داشته باشد و پیش از تثبیت الگوهای پرخطر استفاده از فضای مجازی، زمینه شکل‌گیری رفتارهای ایمن، مسئولانه و آگاهانه را فراهم سازد (Bagheri, 2015; Seif, 2021; Mehrmohammadi, 2017). پژوهش‌های بین‌المللی در حوزه سواد رسانه‌ای نیز مؤید آن است که آموزش نظام‌مند این مهارت‌ها می‌تواند به تقویت تفکر انتقادی، افزایش توانایی ارزیابی منابع اطلاعاتی و کاهش آسیب‌های ناشی از فضای مجازی منجر شود. هابز در مطالعات خود نشان داد که آموزش سواد رسانه‌ای موجب می‌شود دانش‌آموزان توانایی بیشتری در تشخیص اهداف پنهان پیام‌های رسانه‌ای، تحلیل محتوای رسانه‌ها و ارزیابی منابع اطلاعاتی پیدا کنند. پاتر نیز تأکید می‌کند که در عصر انفجار اطلاعات، افرادی که از سطح بالاتری از سواد رسانه‌ای برخوردارند، در انتخاب، پردازش و تفسیر اطلاعات عملکرد دقیق‌تری دارند و کمتر تحت تأثیر تبلیغات فریبنده، اطلاعات نادرست و پیام‌های جهت‌دار قرار می‌گیرند. همچنین پژوهش‌چن و همکاران نشان داد که آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند توانایی دانش‌آموزان در تشخیص اخبار جعلی و ارزیابی اعتبار منابع را به‌طور معناداری افزایش دهد (Hobbs, 2011; Potter, 2013; Chen et al., 2016).

یکی دیگر از ابعاد مهم سواد رسانه‌ای، نقش آن در ارتقای امنیت دیجیتال و حفاظت از حریم خصوصی دانش‌آموزان است. امروزه بسیاری از کودکان بدون آگاهی کافی، تصاویر، اطلاعات شخصی، موقعیت مکانی یا جزئیاتی از زندگی روزمره خود را در فضای مجازی منتشر می‌کنند؛ رفتاری که می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده، فریب، آزار یا تهدیدهای امنیتی شود. آموزش اصول امنیت دیجیتال، مدیریت رمزهای عبور، تشخیص موقعیت‌های پرخطر، نحوه مواجهه با پیام‌های ناشناس، رعایت حریم خصوصی خود و دیگران و شناخت پیامدهای انتشار اطلاعات شخصی، از جمله محورهایی است که در برنامه‌های آموزش سواد رسانه‌ای مورد تأکید قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که افزایش سواد رسانه‌ای با بهبود رفتارهای ایمن در فضای مجازی و کاهش خطر افشای اطلاعات شخصی رابطه معناداری دارد (Karimi et al., 2020; National Cyberspace Center, 2022; Ministry of Education, 2023). از سوی دیگر، فضای مجازی صرفاً بستری برای تبادل اطلاعات نیست، بلکه محیطی برای شکل‌گیری هویت، ارزش‌ها، نگرش‌ها و روابط اجتماعی نیز محسوب می‌شود. کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های آنلاین و سایر محیط‌های دیجیتال، الگوهای رفتاری، زبانی، فرهنگی و اجتماعی متعددی را مشاهده و گاه بازتولید می‌کنند. از این منظر، رسانه‌های دیجیتال می‌توانند بر خودپنداره، سبک ارتباطی، هویت اجتماعی و رفتارهای جمعی کاربران اثرگذار باشند. پژوهش‌های داخلی مرتبط با فناوری‌های نوین ارتباطی نیز نشان داده‌اند که این فناوری‌ها با ابعاد مختلف هویت اجتماعی و الگوهای تعامل کاربران ارتباط دارند؛ بنابراین، آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا در مواجهه با الگوهای رسانه‌ای، انتخاب‌گر، تحلیل‌گر و مسئولانه عمل کنند، نه صرفاً پذیرنده و تقلیدکننده (Castells, 2018; Mitchell, 2017; Korooki et al., 2017 & Jones).

در ایران نیز هم‌زمان با افزایش ضریب نفوذ اینترنت، گسترش تلفن‌های هوشمند و توسعه شبکه‌های اجتماعی، ضرورت توجه به سواد رسانه‌ای در نظام آموزشی بیش از گذشته احساس شده است. اسناد و گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که کودکان و نوجوانان ایرانی بخش قابل توجهی از اوقات فراغت و حتی بخشی از فعالیت‌های آموزشی خود را در محیط‌های دیجیتال سپری

می‌کنند، اما آموزش منسجم، فراگیر و مهارت‌محور سواد رسانه‌ای هنوز در بسیاری از مدارس با چالش‌هایی مانند کمبود برنامه درسی مشخص، ضعف آموزش تخصصی معلمان، نبود محتوای آموزشی متناسب با سن دانش‌آموزان و مشارکت محدود خانواده‌ها مواجه است. پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که نبود برنامه منسجم برای آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند موجب استمرار آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در برابر تهدیدهای فضای مجازی شود (Supreme Council of Education, 2021; National Cyberspace Center, 2022; Niknejad et al., 2021). در کنار مدرسه، خانواده نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به رفتارهای رسانه‌ای کودکان دارد. والدین به‌عنوان نخستین الگوهای تربیتی کودک می‌توانند از طریق نظارت آگاهانه، گفت‌وگوی مستمر، الگوسازی صحیح، تعیین قواعد منطقی استفاده از رسانه‌ها و همراهی با فرزندان در تجربه‌های آنلاین، زمینه ارتقای سواد رسانه‌ای آنان را فراهم کنند. مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزش سواد رسانه‌ای زمانی اثربخشی بیشتری دارند که میان مدرسه و خانواده هماهنگی وجود داشته باشد و پیام‌های تربیتی واحدی به دانش‌آموز منتقل شود. به همین دلیل، آموزش سواد رسانه‌ای نباید صرفاً به کلاس درس محدود شود، بلکه لازم است در قالب همکاری خانواده، مدرسه و نهادهای آموزشی و فرهنگی دنبال گردد (Rezaei et al., 2021; Livingstone, 2021; Niknejad et al., 2021).

پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اغلب مطالعات انجام‌شده بر تأثیر مثبت سواد رسانه‌ای در افزایش تفکر انتقادی، بهبود امنیت دیجیتال، کاهش رفتارهای پرخطر، ارتقای توانایی تشخیص اخبار جعلی و تقویت رفتار مسئولانه در فضای مجازی تأکید کرده‌اند. با این حال، بخش قابل توجهی از این پژوهش‌ها یا بر گروه‌های سنی نوجوانان و جوانان متمرکز بوده‌اند، یا موضوع را در سطح کلی کاربران فضای مجازی بررسی کرده‌اند و کمتر به‌طور اختصاصی به دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی پرداخته‌اند. این در حالی است که دانش‌آموزان دختر در دوره ابتدایی، به دلیل ویژگی‌های رشدی، حساسیت‌های عاطفی، تجربه‌های ارتباطی خاص و الگوهای متفاوت استفاده از رسانه‌ها، نیازمند توجه پژوهشی ویژه هستند. همچنین بررسی این موضوع در بافت‌های محلی مانند شهر سیرجان می‌تواند به شناخت دقیق‌تر شرایط فرهنگی، آموزشی و اجتماعی مؤثر بر آسیب‌پذیری دانش‌آموزان کمک کند (Hobbs, 2020; McDougall, 2022; Hosseini et al., 2019). افزون بر این، برخی مطالعات داخلی مرتبط با وابستگی به اینترنت نشان داده‌اند که استفاده افراطی و کنترل‌نشده از اینترنت می‌تواند با اختلالات تحصیلی، روانی و اجتماعی همراه باشد و بر تمرکز، عملکرد آموزشی، روابط اجتماعی و سلامت روان کاربران اثر منفی بگذارد. این یافته‌ها اهمیت آموزش مهارت‌های مدیریت استفاده از اینترنت، خودکنترلی دیجیتال، انتخاب محتوای مناسب و تنظیم زمان حضور در فضای مجازی را برجسته می‌کند. بنابراین، آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند نه تنها در کاهش مواجهه با تهدیدهای بیرونی، بلکه در اصلاح الگوهای مصرف رسانه‌ای و کاهش پیامدهای رفتاری و آموزشی استفاده افراطی از اینترنت نیز نقش‌آفرین باشد (Korooki, 2025; Young, 2017; Korooki et al., 2016). بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان گفت سواد رسانه‌ای در شرایط کنونی یک ضرورت آموزشی و تربیتی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی است، نه یک مهارت فرعی یا مکمل. گسترش فضای مجازی، افزایش دسترسی کودکان به رسانه‌های دیجیتال، ضعف نسبی آنان در ارزیابی انتقادی اطلاعات و رشد تهدیدهای مرتبط با امنیت، حریم خصوصی و هویت دیجیتال، همگی نشان می‌دهد که نظام آموزشی باید به‌صورت هدفمند برای ارتقای سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی شهر سیرجان در فضای مجازی انجام می‌شود. این پژوهش می‌کوشد با تکیه بر مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی پیشین، نشان دهد که آموزش سواد رسانه‌ای چگونه می‌تواند آگاهی، توان تحلیل، رفتار ایمن و مسئولیت‌پذیری دیجیتال دانش‌آموزان را ارتقا داده و زمینه کاهش آسیب‌پذیری آنان را در محیط‌های مجازی فراهم سازد (Ministry of Education, 2023; McDougall, 2022; Hobbs, 2020).



روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی شهر سیرجان در فضای مجازی انجام شده و از نظر هدف، در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد؛ زیرا نتایج آن می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی، تدوین محتوای تربیتی و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس ابتدایی مورد استفاده قرار گیرد. از نظر شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها، این پژوهش ماهیتی مروری - تحلیلی دارد و بر پایه مطالعه، استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های پیشین، اسناد علمی و منابع معتبر داخلی و خارجی سامان یافته است. انتخاب این روش از آن جهت مناسب تشخیص داده شد که موضوع سواد رسانه‌ای، امنیت دیجیتال، آسیب‌های فضای مجازی و آموزش کودکان در سال‌های اخیر مورد توجه گسترده پژوهشگران قرار گرفته و بررسی نظام‌مند یافته‌های موجود می‌تواند تصویری جامع‌تر از ابعاد نظری، تربیتی و کاربردی مسئله ارائه دهد.

رویکرد حاکم بر پژوهش، توصیفی - تحلیلی است؛ به این معنا که ابتدا مفاهیم و مؤلفه‌های اصلی مرتبط با سواد رسانه‌ای، فضای مجازی، آسیب‌پذیری دانش‌آموزان، امنیت دیجیتال، شهروندی دیجیتال، نقش خانواده، نقش مدرسه و آموزش رسانه‌ای توصیف و سپس روابط میان این مفاهیم تحلیل شده است. در این چارچوب، پژوهش صرفاً به گردآوری و گزارش دیدگاه‌های موجود محدود نشده، بلکه تلاش کرده است با مقایسه و تفسیر یافته‌های مطالعات پیشین، نقش آموزش سواد رسانه‌ای را در کاهش آسیب‌های احتمالی فضای مجازی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی تبیین کند. بر این اساس، ارتباط میان آموزش سواد رسانه‌ای و مؤلفه‌هایی مانند تفکر انتقادی، توانایی ارزیابی پیام‌های رسانه‌ای، تشخیص منابع معتبر، حفظ حریم خصوصی، مدیریت زمان استفاده از اینترنت، کاهش رفتارهای پرخطر و افزایش مسئولیت‌پذیری دیجیتال مورد بررسی قرار گرفته است.

جامعه پژوهش در این مطالعه شامل مجموعه منابع علمی، پژوهشی و اسنادی مرتبط با موضوع تحقیق است. این منابع دربرگیرنده مقالات علمی - پژوهشی، کتاب‌های تخصصی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌های پژوهشی، اسناد آموزشی و منابع معتبر الکترونیکی در حوزه‌های سواد رسانه‌ای، آموزش رسانه‌ای، فضای مجازی، آسیب‌های اینترنتی، امنیت دیجیتال، شهروندی دیجیتال، روان‌شناسی رشد کودک و آموزش دوره ابتدایی بوده‌اند. با توجه به ماهیت مروری پژوهش، نمونه پژوهش به صورت هدفمند از میان منابعی انتخاب شد که ارتباط مستقیم با موضوع، اعتبار علمی، تازگی نسبی، انسجام روش‌شناختی و قابلیت استناد بیشتری داشتند. در انتخاب منابع، تلاش شد مطالعات داخلی و خارجی به گونه‌ای مورد استفاده قرار گیرند که هم ابعاد جهانی موضوع و هم زمینه‌های فرهنگی و آموزشی ایران در تحلیل نهایی لحاظ شود.

گردآوری داده‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی انجام شد. در این فرایند، ابتدا کلیدواژه‌ها و مفاهیم اصلی پژوهش از جمله سواد رسانه‌ای، آموزش سواد رسانه‌ای، فضای مجازی، آسیب‌پذیری کودکان، امنیت دیجیتال، دانش‌آموزان ابتدایی، رفتارهای پرخطر اینترنتی، تفکر انتقادی، حریم خصوصی و شهروندی دیجیتال شناسایی شدند. سپس منابع مرتبط از میان کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های رسمی و پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر انتخاب و مطالعه شدند. در مرحله بعد، منابع گردآوری شده بر اساس میزان ارتباط با هدف پژوهش، کیفیت علمی، اعتبار نویسندگان و تناسب با گروه سنی دانش‌آموزان ابتدایی غربالگری شدند. در نهایت، داده‌ها و نکات کلیدی استخراج شده از منابع منتخب در قالب محورهای موضوعی مشخص سازماندهی گردیدند تا امکان تحلیل منسجم و مقایسه‌ای فراهم شود.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، فیش‌برداری علمی و سازمان‌یافته از منابع منتخب بود. اطلاعات استخراج شده در قالب محورهای مانند تعاریف و ابعاد سواد رسانه‌ای، نظریه‌ها و رویکردهای مرتبط، انواع آسیب‌های فضای مجازی، نقش آموزش در کاهش آسیب‌پذیری، نقش خانواده، نقش مدرسه و معلمان، امنیت و حریم خصوصی دیجیتال، پیامدهای وابستگی به اینترنت و راهکارهای آموزشی طبقه‌بندی شدند. این شیوه فیش‌برداری سبب شد داده‌های پراکنده موجود در منابع مختلف در قالبی

منظم قرار گیرند و امکان مقایسه، تحلیل و ترکیب یافته‌ها فراهم شود. همچنین در فرایند استخراج اطلاعات تلاش شد میان یافته‌های نظری، شواهد تجربی و دلالت‌های کاربردی تمایز برقرار شود تا نتایج پژوهش از انسجام علمی بیشتری برخوردار باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. در این روش، ابتدا داده‌های استخراج‌شده از منابع علمی به‌دقت مطالعه و مفاهیم اصلی آن‌ها شناسایی شد. سپس داده‌ها بر اساس شباهت‌ها، تفاوت‌ها و ارتباطات مفهومی در طبقات موضوعی قرار گرفتند. پس از آن، الگوهای مشترک میان پژوهش‌های مختلف استخراج و تفسیر شد. تحلیل داده‌ها با هدف شناسایی نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان، تبیین ابعاد این نقش و ارائه تصویری جامع از وضعیت موجود انجام گرفت. در این فرایند، یافته‌های پژوهش‌های مختلف با یکدیگر مقایسه شدند تا مشخص شود آموزش سواد رسانه‌ای از چه مسیری می‌تواند به کاهش آسیب‌های فضای مجازی منجر شود؛ از جمله از طریق ارتقای آگاهی رسانه‌ای، تقویت تفکر انتقادی، بهبود مهارت‌های امنیت دیجیتال، افزایش توانایی تشخیص محتوای نامناسب و کاهش رفتارهای پرخطر آنلاین.

برای افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌ها، چند اقدام اساسی در فرایند پژوهش مورد توجه قرار گرفت. نخست آنکه تلاش شد از منابع معتبر و قابل استناد علمی استفاده شود؛ منابعی که در مجلات معتبر، کتاب‌های تخصصی، اسناد رسمی یا پژوهش‌های شناخته‌شده منتشر شده‌اند. دوم، یافته‌های حاصل از منابع مختلف با یکدیگر مقایسه و تطبیق داده شدند تا از اتکای پژوهش به یک دیدگاه یا منبع محدود جلوگیری شود. سوم، در تحلیل داده‌ها تلاش شد دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارض نیز مورد توجه قرار گیرند تا تحلیل نهایی از جامعیت بیشتری برخوردار باشد. همچنین، استفاده از منابع داخلی و خارجی امکان بررسی موضوع را از دو سطح بومی و بین‌المللی فراهم ساخت و به تقویت روایی محتوایی پژوهش کمک کرد.

در انجام این پژوهش، اصول اخلاق پژوهش رعایت شد. تمام مطالب، دیدگاه‌ها و یافته‌هایی که از منابع دیگر مورد استفاده قرار گرفتند، با ارجاع مناسب و حفظ امانت علمی ذکر شدند. پژوهشگر از هرگونه نقل بدون استناد، تحریف یافته‌های پیشین یا برداشت خارج از زمینه اجتناب کرده و تلاش نموده است نتایج مطالعات مورد بررسی را به‌صورت دقیق، منصفانه و علمی گزارش کند. رعایت صداقت علمی، احترام به حقوق معنوی نویسندگان، استناددهی صحیح و استفاده مسئولانه از منابع از جمله ملاحظات اخلاقی مورد توجه در تمامی مراحل انجام پژوهش بوده است.

با وجود مزایای روش مروری - تحلیلی، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه است. مهم‌ترین محدودیت آن، عدم استفاده از داده‌های میدانی مستقیم از دانش‌آموزان، والدین یا معلمان است؛ از این‌رو یافته‌های پژوهش بر اساس تحلیل مطالعات و منابع پیشین شکل گرفته‌اند. همچنین، سرعت بالای تحولات فناوری، ظهور پلتفرم‌های جدید و تغییر مداوم الگوهای استفاده کودکان از فضای مجازی ممکن است موجب شود برخی یافته‌ها در آینده نیازمند بازنگری باشند. افزون بر این، تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی میان جوامع مختلف باعث می‌شود نتایج برخی پژوهش‌های خارجی با احتیاط و با توجه به زمینه بومی ایران تفسیر شوند. با این حال، استفاده از منابع متنوع و تحلیل مقایسه‌ای یافته‌ها، امکان دستیابی به درکی نسبتاً جامع از نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی در فضای مجازی را فراهم ساخته است.

بر این اساس، روش مروری - تحلیلی به پژوهش حاضر امکان داده است تا بدون محدود شدن به داده‌های یک نمونه خاص، ابعاد مختلف مسئله را از منظر نظری، تربیتی، روان‌شناختی و آموزشی بررسی کند. این رویکرد می‌تواند زمینه‌ای علمی برای شناسایی مؤلفه‌های مؤثر آموزش سواد رسانه‌ای، تحلیل آسیب‌های رایج فضای مجازی و ارائه پیشنهادها کاربردی برای نظام آموزش و پرورش، مدارس و خانواده‌ها و برنامه‌ریزان آموزشی فراهم سازد. از این منظر، روش‌شناسی پژوهش حاضر با ماهیت مسئله، هدف مطالعه و ضرورت دستیابی به شناختی جامع از نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی شهر سیرجان در فضای مجازی تناسب دارد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر بر اساس بررسی و تحلیل منابع علمی داخلی و خارجی مرتبط با سواد رسانه‌ای، فضای مجازی، امنیت دیجیتال و آموزش دانش‌آموزان دوره ابتدایی استخراج شده است. نتایج حاصل از بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد که آموزش سواد رسانه‌ای نقش بسیار مهمی در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در فضای مجازی ایفا می‌کند و می‌تواند زمینه استفاده آگاهانه، مسئولانه و ایمن از فناوری‌های دیجیتال را فراهم سازد. در ادامه، یافته‌های پژوهش در چند محور اصلی ارائه می‌شود.

یافته اول: افزایش چشمگیر حضور دانش‌آموزان ابتدایی در فضای مجازی

بررسی پژوهش‌های انجام شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که میزان حضور کودکان و دانش‌آموزان ابتدایی در فضای مجازی به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های آنلاین، پیام‌رسان‌ها و برنامه‌های آموزشی دیجیتال به بخش مهمی از زندگی روزمره کودکان تبدیل شده‌اند. بسیاری از دانش‌آموزان از سنین پایین دارای تلفن همراه یا تبلت هستند و روزانه ساعت‌های متعددی را در محیط‌های دیجیتال سپری می‌کنند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد که افزایش دسترسی به فناوری اگرچه فرصت‌های آموزشی فراوانی ایجاد کرده است، اما همزمان احتمال مواجهه کودکان با تهدیدهای مختلف را نیز افزایش داده است. دانش‌آموزان ابتدایی به دلیل ویژگی‌های سنی خود، در بسیاری از مواقع فاقد مهارت‌های لازم برای تشخیص خطرات فضای مجازی هستند و همین موضوع میزان آسیب‌پذیری آنان را افزایش می‌دهد. نتایج بررسی منابع نشان می‌دهد که بسیاری از کودکان بدون آگاهی کافی از پیامدهای رفتارهای خود در فضای مجازی، اطلاعات شخصی، تصاویر و محتوای مختلف را منتشر می‌کنند و همین مسئله آنان را در معرض تهدیدهای گوناگون قرار می‌دهد.

یافته دوم: پایین بودن سطح سواد رسانه‌ای در میان بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر این است که سطح سواد رسانه‌ای بسیاری از دانش‌آموزان دوره ابتدایی پایین‌تر از حد مطلوب است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که تعداد زیادی از دانش‌آموزان توانایی کافی برای تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، تشخیص اخبار نادرست و ارزیابی اعتبار منابع اطلاعاتی را ندارند. بررسی پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که بسیاری از دانش‌آموزان اطلاعات منتشر شده در اینترنت را بدون بررسی و ارزیابی می‌پذیرند. آنان معمولاً توانایی تشخیص تفاوت میان اطلاعات معتبر و نامعتبر را ندارند و در نتیجه ممکن است تحت تأثیر اخبار جعلی، تبلیغات فریبنده و محتوای گمراه‌کننده قرار گیرند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش زیادی از دانش‌آموزان نسبت به مفهوم حریم خصوصی دیجیتال آگاهی کافی ندارند. بسیاری از کودکان بدون توجه به پیامدهای احتمالی، اطلاعات شخصی خود را در فضای مجازی منتشر می‌کنند یا در ارتباط با افراد ناشناس احتیاط لازم را رعایت نمی‌کنند.

یافته سوم: رابطه مستقیم میان آموزش سواد رسانه‌ای و افزایش آگاهی دانش‌آموزان

تحلیل مطالعات مختلف نشان می‌دهد که آموزش سواد رسانه‌ای تأثیر قابل توجهی بر افزایش سطح آگاهی دانش‌آموزان دارد. دانش‌آموزانی که آموزش‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای را دریافت کرده‌اند، درک بهتری از فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی دارند و رفتارهای مسئولانه‌تری از خود نشان می‌دهند. نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های رسانه‌ای موجب می‌شود دانش‌آموزان هنگام مواجهه با اطلاعات مختلف، رویکردی تحلیلی و انتقادی داشته باشند. این دانش‌آموزان به جای پذیرش منفعلانه اطلاعات، تلاش می‌کنند اعتبار منابع را

بررسی کرده و درباره صحت مطالب قضاوت کنند. همچنین مشخص شد که آموزش سواد رسانه‌ای موجب افزایش توانایی دانش‌آموزان در شناسایی تبلیغات پنهان، پیام‌های جهت‌دار و اهداف تجاری یا سیاسی تولیدکنندگان محتوا می‌شود. این موضوع نقش مهمی در افزایش استقلال فکری و قدرت تصمیم‌گیری آنان دارد.

یافته چهارم: نقش مؤثر سواد رسانه‌ای در کاهش باورپذیری اخبار جعلی

یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر مربوط به نقش سواد رسانه‌ای در مقابله با اخبار جعلی و اطلاعات نادرست است. بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دارای سواد رسانه‌ای بالا، عملکرد بهتری در تشخیص اخبار جعلی و ارزیابی اعتبار اطلاعات دارند. در بسیاری از پژوهش‌های خارجی گزارش شده است که آموزش مهارت‌های تحلیل رسانه‌ای موجب کاهش قابل توجه میزان باورپذیری اطلاعات نادرست در میان دانش‌آموزان شده است. این افراد پیش از پذیرش اطلاعات، به بررسی منبع خبر، نویسنده، شواهد ارائه شده و اعتبار رسانه منتشرکننده توجه می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفکر انتقادی یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که از طریق آموزش سواد رسانه‌ای تقویت می‌شود. دانش‌آموزانی که از تفکر انتقادی بالاتری برخوردار هستند، کمتر تحت تأثیر شایعات و اخبار نادرست قرار می‌گیرند.

یافته پنجم: تأثیر سواد رسانه‌ای بر افزایش امنیت دیجیتال

بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد که آموزش سواد رسانه‌ای نقش مهمی در ارتقای امنیت دیجیتال دانش‌آموزان دارد. امنیت دیجیتال به مجموعه رفتارها و مهارت‌هایی گفته می‌شود که افراد را در برابر تهدیدهای آنلاین محافظت می‌کند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که آموزش‌های لازم را دریافت کرده‌اند، آگاهی بیشتری نسبت به اهمیت رمزهای عبور، حفظ اطلاعات شخصی، خطرات ارتباط با افراد ناشناس و تهدیدهای سایبری دارند. همچنین این دانش‌آموزان نسبت به دانلود فایل‌های ناشناس، کلیک بر روی لینک‌های مشکوک و انتشار اطلاعات خصوصی محتاطانه‌تر عمل می‌کنند. این مسئله احتمال قربانی شدن آنان در برابر کلاهبرداری‌های اینترنتی و سوءاستفاده‌های آنلاین را کاهش می‌دهد.

یافته ششم: نقش سواد رسانه‌ای در کاهش آزار و اذیت سایبری

آزار و اذیت سایبری یکی از مهم‌ترین تهدیدهای فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند نقش مهمی در کاهش این پدیده داشته باشد. دانش‌آموزانی که آموزش‌های رسانه‌ای دریافت کرده‌اند، شناخت بیشتری نسبت به رفتارهای نامناسب آنلاین دارند و بهتر می‌توانند در برابر آزارهای اینترنتی از خود محافظت کنند. همچنین این دانش‌آموزان در صورت مواجهه با آزار سایبری، احتمال بیشتری دارد که موضوع را با والدین یا معلمان در میان بگذارند. بررسی مطالعات مختلف نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های ارتباطی، احترام به حقوق دیگران و مسئولیت‌پذیری دیجیتال می‌تواند به کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز در فضای مجازی کمک کند.

یافته هفتم: نقش خانواده در ارتقای سواد رسانه‌ای

یکی از یافته‌های مهم پژوهش حاضر، تأثیر قابل توجه خانواده بر شکل‌گیری رفتارهای رسانه‌ای دانش‌آموزان است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد کودکانی که والدین آنان در استفاده از رسانه‌ها نقش فعالی دارند، از سطح بالاتری از سواد رسانه‌ای برخوردار هستند. خانواده‌ها از طریق آموزش، نظارت، گفت‌وگو و الگوسازی می‌توانند نقش مؤثری در توسعه مهارت‌های رسانه‌ای کودکان ایفا کنند. همچنین مشخص شد که همکاری میان خانه و مدرسه موجب افزایش اثربخشی برنامه‌های آموزش سواد رسانه‌ای می‌شود. دانش‌آموزانی که والدین آنان درباره تهدیدهای فضای مجازی با فرزندان خود گفت‌وگو می‌کنند، معمولاً رفتارهای ایمن‌تری در محیط‌های دیجیتال از خود نشان می‌دهند.

یافته هشتم: نقش معلمان در توسعه سواد رسانه‌ای

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معلمان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در توسعه سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. معلمان می‌توانند از طریق آموزش مستقیم، فعالیت‌های کلاسی و استفاده از فناوری‌های آموزشی، مهارت‌های رسانه‌ای دانش‌آموزان را تقویت کنند. بررسی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که معلمان آنان از دانش و مهارت رسانه‌ای بالاتری برخوردار هستند، عملکرد بهتری در حوزه سواد رسانه‌ای دارند. همچنین نگرش مثبت معلمان نسبت به فناوری‌های آموزشی، تأثیر مستقیمی بر کیفیت آموزش رسانه‌ای دارد.

یافته نهم: کمبود برنامه‌های آموزشی منسجم در مدارس

بررسی منابع داخلی نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های اصلی نظام آموزشی، نبود برنامه‌های منسجم و نظام‌مند برای آموزش سواد رسانه‌ای است. اگرچه در سال‌های اخیر توجه بیشتری به این موضوع شده است، اما هنوز در بسیاری از مدارس آموزش سواد رسانه‌ای به صورت محدود و پراکنده انجام می‌شود. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که سواد رسانه‌ای باید به عنوان بخشی از برنامه درسی رسمی مدارس در نظر گرفته شود. همچنین لازم است دوره‌های آموزشی ویژه‌ای برای معلمان برگزار شود تا آنان بتوانند مهارت‌های لازم را به دانش‌آموزان منتقل کنند.

یافته دهم: ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای از سال‌های نخست تحصیل

یکی از مهم‌ترین نتایج حاصل از بررسی پژوهش‌های داخلی و خارجی، ضرورت آغاز آموزش سواد رسانه‌ای از سال‌های ابتدایی تحصیل است. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که هرچه آموزش مهارت‌های رسانه‌ای در سنین پایین‌تر آغاز شود، اثربخشی بیشتری خواهد داشت. کودکان در دوره ابتدایی آمادگی بالایی برای یادگیری الگوهای رفتاری جدید دارند و بسیاری از عادات آنان در همین دوره شکل می‌گیرد. بنابراین آموزش مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، حفاظت از حریم خصوصی، تشخیص اطلاعات نادرست و استفاده مسئولانه از رسانه‌ها می‌تواند آثار بلندمدتی بر رفتارهای آینده آنان داشته باشد.

به طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزش سواد رسانه‌ای یکی از مؤثرترین راهکارها برای کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی در فضای مجازی است. نتایج مطالعات مختلف حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های رسانه‌ای موجب افزایش آگاهی، تقویت تفکر انتقادی، ارتقای امنیت دیجیتال، کاهش باورپذیری اخبار جعلی، کاهش آزار سایبری و بهبود رفتارهای آنلاین دانش‌آموزان می‌شود. همچنین خانواده، مدرسه و معلمان نقش بسیار مهمی در توسعه سواد رسانه‌ای دارند و موفقیت برنامه‌های آموزشی در این حوزه مستلزم همکاری و مشارکت این سه نهاد اساسی است. در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه برنامه‌های آموزشی منسجم و گنجاندن سواد رسانه‌ای در برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی می‌تواند نقش مهمی در تربیت نسلی آگاه، مسئول و توانمند در عصر دیجیتال ایفا کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش آموزش سواد رسانه‌ای در کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان دختر دوره ابتدایی شهر سیرجان در فضای مجازی بود. نتایج حاصل از بررسی منابع علمی داخلی و خارجی نشان داد که سواد رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در افزایش آگاهی، ارتقای امنیت دیجیتال و کاهش آسیب‌های ناشی از استفاده نادرست از رسانه‌های نوین در میان دانش‌آموزان است. یافته‌های پژوهش همچنین بیانگر آن بود که آموزش مهارت‌های رسانه‌ای می‌تواند زمینه شکل‌گیری رفتارهای مسئولانه و آگاهانه را در محیط‌های دیجیتال فراهم سازد. در این بخش، یافته‌های پژوهش مورد بحث و تفسیر قرار می‌گیرد و ارتباط آنها با پژوهش‌های پیشین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر، افزایش چشمگیر حضور دانش‌آموزان ابتدایی در فضای مجازی بود. این نتیجه با یافته‌های لیوینگستون (۲۰۲۱)، کاستلز (۲۰۱۸) و هابز (۲۰۲۰) همسو است. امروزه فناوری‌های دیجیتال به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی کودکان تبدیل شده‌اند و بسیاری از فعالیت‌های آموزشی، ارتباطی و تفریحی آنان از طریق اینترنت و رسانه‌های دیجیتال انجام می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که فضای مجازی دیگر یک محیط جانبی برای کودکان نیست، بلکه بخشی از محیط زندگی و رشد آنان محسوب می‌شود. بنابراین آموزش مهارت‌های لازم برای حضور ایمن و آگاهانه در این فضا به یکی از ضرورت‌های نظام آموزشی تبدیل شده است.

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که گسترش دسترسی کودکان به فناوری‌های دیجیتال، اگرچه فرصت‌های فراوانی برای یادگیری فراهم کرده است، اما در عین حال سطح مواجهه آنان با تهدیدهای مختلف را نیز افزایش داده است. در گذشته بخش زیادی از اطلاعات از طریق منابع رسمی آموزشی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گرفت، اما امروزه کودکان با حجم گسترده‌ای از اطلاعات متنوع و گاه متناقض روبرو هستند. در چنین شرایطی، توانایی تشخیص اطلاعات معتبر از اطلاعات نادرست اهمیت بسیار زیادی پیدا می‌کند و این دقیقاً همان مهارتی است که آموزش سواد رسانه‌ای در پی تقویت آن است.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش حاضر، پایین بودن سطح سواد رسانه‌ای در میان بخشی از دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود. این یافته با نتایج پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، نیک‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱) و محمدی و همکاران (۱۳۹۷) همخوانی دارد. بسیاری از دانش‌آموزان در تشخیص اخبار جعلی، ارزیابی اعتبار منابع و درک اهداف پنهان پیام‌های رسانه‌ای با مشکل مواجه هستند. این وضعیت نشان می‌دهد که صرف دسترسی به فناوری به معنای برخورداری از مهارت‌های لازم برای استفاده صحیح از آن نیست.

بررسی این یافته نشان می‌دهد که شکاف میان مهارت استفاده از فناوری و سواد رسانه‌ای همچنان وجود دارد. بسیاری از کودکان می‌توانند از تلفن همراه، تبلت یا شبکه‌های اجتماعی استفاده کنند، اما لزوماً توانایی تحلیل پیام‌های رسانه‌ای یا تشخیص تهدیدهای فضای مجازی را ندارند. به عبارت دیگر، توانایی کار با فناوری با توانایی استفاده آگاهانه از فناوری تفاوت دارد و این موضوع اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای را دوچندان می‌کند.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که آموزش سواد رسانه‌ای موجب افزایش سطح آگاهی دانش‌آموزان نسبت به فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی می‌شود. این نتیجه با پژوهش‌های هابز (۲۰۱۰)، پاتر (۲۰۱۳) و چن و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد. دانش‌آموزانی که آموزش‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای را دریافت کرده‌اند، در مقایسه با سایر دانش‌آموزان توانایی بیشتری در تحلیل اطلاعات، ارزیابی منابع و تصمیم‌گیری آگاهانه دارند.

علت این موضوع را می‌توان در ماهیت آموزش سواد رسانه‌ای جستجو کرد. سواد رسانه‌ای صرفاً مجموعه‌ای از اطلاعات نظری نیست، بلکه مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی و عملی است که افراد را برای مواجهه آگاهانه با رسانه‌ها آماده می‌سازد. زمانی که دانش‌آموزان می‌آموزند چگونه اطلاعات را تحلیل کنند، اعتبار منابع را بسنجند و درباره پیام‌های رسانه‌ای پرسشگری کنند، به تدریج از حالت پذیرش منفعلانه اطلاعات خارج شده و به کاربران فعال و آگاه تبدیل می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر، نقش مؤثر سواد رسانه‌ای در کاهش باورپذیری اخبار جعلی و اطلاعات نادرست بود. این یافته با نتایج پژوهش‌های چن و همکاران (۲۰۱۶)، مک دوگال (۲۰۲۲) و هابز (۲۰۲۰) همخوانی دارد. در عصر حاضر، انتشار گسترده اطلاعات نادرست و اخبار جعلی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های فضای مجازی تبدیل شده است. کودکان به دلیل محدودیت تجربه و دانش، بیشتر در معرض پذیرش چنین اطلاعاتی قرار دارند.

تحلیل این یافته نشان می‌دهد که آموزش سواد رسانه‌ای از طریق تقویت تفکر انتقادی، توانایی ارزیابی اطلاعات و مهارت پرسشگری، موجب افزایش مقاومت دانش‌آموزان در برابر اطلاعات نادرست می‌شود. دانش‌آموزی که می‌آموزد درباره منبع



اطلاعات سؤال کند، شواهد ارائه شده را بررسی نماید و اعتبار رسانه منتشرکننده را ارزیابی کند، کمتر تحت تأثیر اخبار جعلی قرار خواهد گرفت.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که سواد رسانه‌ای نقش مهمی در افزایش امنیت دیجیتال دانش‌آموزان دارد. این نتیجه با یافته‌های فلانگن و جیکوبز (۲۰۱۵)، کریمی و همکاران (۱۳۹۹) و لیوینگستون (۲۰۲۱) همسو است. دانش‌آموزانی که آموزش‌های مرتبط با امنیت دیجیتال را دریافت کرده‌اند، آگاهی بیشتری نسبت به خطرات فضای مجازی دارند و رفتارهای ایمن‌تری از خود نشان می‌دهند.

این موضوع نشان می‌دهد که بخش مهمی از آسیب‌های فضای مجازی ناشی از کمبود آگاهی کاربران است. بسیاری از تهدیدهای اینترنتی زمانی موفق می‌شوند که کاربران از خطرات موجود اطلاع کافی نداشته باشند. آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند با افزایش آگاهی نسبت به حفظ حریم خصوصی، مدیریت رمزهای عبور، تشخیص تهدیدهای آنلاین و رعایت اصول امنیتی، احتمال وقوع این آسیب‌ها را کاهش دهد.

نتیجه مهم دیگر پژوهش حاضر، نقش سواد رسانه‌ای در کاهش آزار و اذیت سایبری بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های رسانه‌ای و ارتباطی می‌تواند به کاهش رفتارهای پرخطر و خشونت‌آمیز در محیط‌های آنلاین کمک کند. این نتیجه با پژوهش‌های اسمیت و همکاران (۲۰۱۹) و جونز و میچل (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

تبیین این یافته نشان می‌دهد که بسیاری از رفتارهای نامناسب در فضای مجازی ناشی از ناآگاهی کاربران نسبت به پیامدهای رفتارهای خود است. زمانی که دانش‌آموزان با مفاهیمی مانند مسئولیت‌پذیری دیجیتال، احترام به حقوق دیگران و اخلاق رسانه‌ای آشنا می‌شوند، احتمال مشارکت آنان در رفتارهای آسیب‌زا کاهش می‌یابد. همچنین آگاهی از راهکارهای مقابله با آزار سایبری می‌تواند به کاهش پیامدهای منفی این پدیده کمک کند.

یکی از یافته‌های قابل توجه پژوهش، نقش تعیین‌کننده خانواده در توسعه سواد رسانه‌ای بود. این نتیجه با یافته‌های رضایی و همکاران (۱۴۰۰)، لیوینگستون (۲۰۲۱) و عاملی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. خانواده نخستین محیط اجتماعی کودک محسوب می‌شود و بسیاری از نگرش‌ها و رفتارهای رسانه‌ای کودکان در این محیط شکل می‌گیرد.

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که والدین می‌توانند از طریق آموزش، نظارت، الگوسازی و گفت‌وگو، نقش مهمی در ارتقای سواد رسانه‌ای فرزندان خود ایفا کنند. کودکانی که در خانواده‌های آگاه نسبت به مسائل رسانه‌ای رشد می‌کنند، معمولاً رفتارهای مسئولانه‌تری در فضای مجازی دارند و کمتر در معرض آسیب‌های دیجیتال قرار می‌گیرند.

یافته دیگر پژوهش، اهمیت نقش معلمان و مدارس در آموزش سواد رسانه‌ای بود. نتایج نشان داد که معلمان می‌توانند از طریق آموزش مستقیم، استفاده از فعالیت‌های آموزشی و ایجاد فرصت‌های یادگیری، مهارت‌های رسانه‌ای دانش‌آموزان را تقویت کنند. این نتیجه با یافته‌های محمدی و همکاران (۱۳۹۷)، هابز و مور (۲۰۱۸) و مک دوگال (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

این موضوع بیانگر آن است که مدرسه به عنوان مهم‌ترین نهاد رسمی آموزش، نقش اساسی در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی در جامعه دیجیتال دارد. اگر آموزش سواد رسانه‌ای به صورت هدفمند و نظام‌مند در برنامه‌های درسی مدارس گنجانده شود، می‌توان انتظار داشت که سطح آگاهی و امنیت دیجیتال دانش‌آموزان به شکل قابل توجهی افزایش یابد.

یکی دیگر از نتایج مهم پژوهش حاضر، کمبود برنامه‌های آموزشی منسجم در زمینه سواد رسانه‌ای در بسیاری از مدارس بود. این یافته با نتایج پژوهش نیک‌نژاد و همکاران (۱۴۰۱) همخوانی دارد. اگرچه اهمیت سواد رسانه‌ای مورد پذیرش بسیاری از متخصصان قرار گرفته است، اما هنوز در بسیاری از نظام‌های آموزشی، آموزش این مهارت‌ها به صورت پراکنده و محدود انجام می‌شود.

تحلیل این یافته نشان می‌دهد که توسعه سواد رسانه‌ای نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، تدوین محتوای آموزشی مناسب، آموزش معلمان و حمایت سیاستگذاران آموزشی است. بدون وجود یک برنامه منسجم، آموزش سواد رسانه‌ای نمی‌تواند به اهداف مورد انتظار دست یابد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین ابزارهای توانمندسازی دانش‌آموزان برای زندگی در عصر دیجیتال است. آموزش این مهارت‌ها نه تنها موجب کاهش آسیب‌های فضای مجازی می‌شود، بلکه زمینه توسعه تفکر انتقادی، افزایش مسئولیت‌پذیری، ارتقای امنیت دیجیتال و بهبود کیفیت یادگیری را نیز فراهم می‌کند. بر این اساس، توجه جدی به آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس ابتدایی می‌تواند نقش مهمی در تربیت نسلی آگاه، مسئول و توانمند برای مواجهه با چالش‌های دنیای امروز ایفا کند.

پیام مقاله

این پژوهش بر اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای به عنوان یکی از راهبردهای اساسی در ارتقای امنیت و سلامت دیجیتال دانش‌آموزان تأکید دارد. با گسترش فناوری‌های ارتباطی و افزایش حضور کودکان در فضای مجازی، ضرورت توانمندسازی دانش‌آموزان در مواجهه آگاهانه و مسئولانه با رسانه‌های دیجیتال بیش از پیش احساس می‌شود. در این مطالعه، با تکیه بر ادبیات نظری سواد رسانه‌ای و یافته‌های پژوهش‌های مرتبط، ابعاد کلیدی آموزش سواد رسانه‌ای شامل تقویت تفکر انتقادی، ارزیابی و تحلیل اطلاعات، تشخیص اخبار نادرست، رعایت اصول امنیت دیجیتال و حفاظت از حریم خصوصی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش نظام‌مند این مهارت‌ها می‌تواند به طور مؤثری سطح آگاهی و توانمندی دانش‌آموزان را در استفاده ایمن از رسانه‌های دیجیتال افزایش داده و میزان آسیب‌پذیری آنان در برابر تهدیدهای فضای مجازی را کاهش دهد. همچنین، تعامل و همکاری میان خانواده، مدرسه و نظام آموزشی در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی سواد رسانه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای فرهنگ استفاده مسئولانه از رسانه‌ها و تربیت شهروندان دیجیتال آگاه و مسئول ایفا می‌کند. بر این اساس، توجه سیاست‌گذاران آموزشی به گنجاندن آموزش سواد رسانه‌ای در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی می‌تواند گامی مؤثر در پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی و تقویت امنیت دیجیتال کودکان باشد.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات مروری - تحلیلی بوده و داده‌های آن از طریق بررسی منابع علمی، کتاب‌ها، مقالات پژوهشی و اسناد معتبر داخلی و بین‌المللی گردآوری شده است؛ بنابراین، هیچ‌گونه مداخله مستقیم بر روی آزمودنی‌های انسانی، اجرای پرسش‌نامه، مصاحبه یا مشارکت میدانی در این پژوهش انجام نشده است. با این حال، پژوهشگران در تمامی مراحل انجام پژوهش، اصول اخلاق در پژوهش را رعایت کرده‌اند. از جمله این اصول می‌توان به امانت‌داری علمی، استناددهی دقیق و صحیح به منابع، پرهیز از هرگونه تحریف یا استفاده گزینشی از داده‌ها، رعایت صداقت در تحلیل و تفسیر یافته‌ها، و احترام به حقوق مالکیت فکری آثار علمی اشاره کرد. همچنین تلاش شده است با بهره‌گیری از منابع معتبر و به‌روز و با رعایت شفافیت در گزارش‌دهی علمی، اعتبار و قابلیت اعتماد نتایج پژوهش حفظ و تقویت شود.

مشارکت نویسندگان

مفهوم‌سازی: فاطمه‌السادات حسینی افشار، سیداحمد نژادسجادی

گردآوری داده‌ها: فاطمه‌السادات حسینی افشار

تحلیل داده‌ها: سیداحمد نژادسجادی، فاطمه‌السادات حسینی افشار

نگارش مقاله: فاطمه‌السادات حسینی‌افشار

بازبینی و ویرایش: سیداحمد نژادسجادی

تامین منابع مالی: فاطمه‌السادات حسینی‌افشار، سیداحمد نژادسجادی

مرور ادبیات: فاطمه‌السادات حسینی‌افشار، سیداحمد نژادسجادی

مدیریت پروژه: فاطمه‌السادات حسینی‌افشار، سیداحمد نژادسجادی

سایر مشارکت‌ها: همکاری مشترک در سایر امور

تعارض منافع

این پژوهش هیچگونه حمایت مالی از بخش عمومی یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است. نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچگونه تعارض منفعی در انجام این پژوهش وجود ندارد.

References

- Ameli, S. R. (2013). *The second space of life and the challenges of virtual culture*. Amir Kabir Publications.
- Bagheri, K. (n.d.). *Philosophy of education and modern educational technologies*. Madreseh Publications.
- Castells, M. (2018). *Networks of outrage and hope: Social movements in the Internet age* (2nd ed.). Polity Press.
- Chen, D. T., et al. (2016). Unpacking new media literacy. *Journal of Systemics, Cybernetics and Informatics*, volume(issue), page range.
- Fathi Vajargah, K. (2018). *Foundations of curriculum planning*. SAMT Publications.
- Flanagan, V., & Jacobs, R. (2015). *Digital literacy and online safety among children*. Routledge.
- Hobbs, R. (2010). *Digital and media literacy: A plan of action* [White paper]. Aspen Institute Communications and Society Program. <https://scispace.com/pdf/digital-and-media-literacy-a-plan-of-action-1qnfa3nz1i.pdf>
- Hobbs, R. (2011). *Digital and media literacy: Connecting culture and classroom*. Corwin Press.
- Hobbs, R. (2020). *Media literacy and digital citizenship education*. Routledge.
- Hosseini, M., et al. (2019). Investigating the harms of cyberspace among elementary school students. *Quarterly Journal of Educational Research*, volume(issue), pages.
- Jones, L. M., & Mitchell, K. J. (2017). Defining and measuring youth digital citizenship. *New Media & Society*, volume(issue), page range.
- Karimi, A., et al. (2020). The relationship between media literacy and students' digital security. *Quarterly Journal of Educational Technology*, volume(issue), pages.
- Korooki, A. (2025). Compilation of a Mixed Model of Social Marketing in the Development of Student Sports: A Qualitative Study Using a Thematic Analysis Approach. *Social Business*, 1(2), 178-194. doi: [10.22059/jsbu.2025.389344.1012](https://doi.org/10.22059/jsbu.2025.389344.1012)
- Korooki, A., Sanei, H. R., Tabrizi Yeganeh, M. (2017), Investigating the relationship between modern communication technology and social identity of employees of sports and youth departments in Kerman province, The third national conference of sports sciences and physical training of Iran. Tehran, Iran.

- <https://www.researchgate.net/publication/385737495> Investigating the relationship between modern communication technology and social identity of employees of sports and youth departments in Kerman province
- Korooki, A., Sharifian, E., GhahramanTabrizi, K. (2016), Investigating the status of Internet services in the field of sports from the point of view of post-graduate students of physical education in Iran, The second national conference of new achievements in physical education and sports, Chabahar, Sistan and Baluchistan.
- <https://www.researchgate.net/publication/385695580> Investigating the status of Internet services in the field of sports from the point of view of post-graduate students of physical education in Iran
- Livingstone, S. (2014). *Children and the internet: Great expectations, challenging realities*. Polity Press.
- <https://www.researchgate.net/publication/30529730> Children and the Internet Great Expectations Challenging Realities
- Livingstone, S. (2021). *Children, safety and digital media literacy*. London School of Economics.
- McDougall, J. (2022). Teaching media literacy in contemporary schools. *Media Education Research Journal*, volume(issue), page range.
- Mehrmohammadi, M. (2017). *Curriculum and educational technology*. Agah Publications.
- Ministry of Education. (2023). *Guide for promoting students' media literacy in schools*. Ministry of Education.
- Montazerghaem, M. (2016). *Media literacy and citizenship education in the digital age*. University of Tehran Press.
- National Cyberspace Center. (2022). *Report on the status of children and adolescents in cyberspace*. National Cyberspace Center.
- Niknejad, A., et al. (2022). Investigating the challenges of media literacy education in Iranian elementary schools. *Quarterly Journal of Educational Technology*, volume(issue), pages.
- Potter, W. J. (2013). *Media literacy* (7th ed.). SAGE Publications.
- https://www.amazon.com/James-Potter-Media-Literacy-Seventh/dp/B00N4FGM8M#detailBullets_feature_div
- Rezaei, M., et al. (2021). The role of family in promoting children's media literacy. *Quarterly Journal of Educational Research*, volume(issue), pages.
- Seif, A. A. (2021). *Educational psychology: Psychology of learning and instruction*. Doran Publications.
- Shabani, H. (2019). *Educational skills and teaching methods*. SAMT Publications.
- Shokrkhah, Y. (2011). *Media literacy: Theories, approaches, and applications*. Soroush Publications.
- Smith, P. K., et al. (2019). Cyberbullying: Its nature and impact in school pupils. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, volume(issue), page range.
- <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2007.01846.x>
- Supreme Council of Education. (2021). *Strategic documents for the development of modern education and media literacy*. Supreme Council of Education.

Extended Abstract

The Role of Media Literacy Education in Reducing the Vulnerability of Female Elementary School Students in Cyberspace in Sirjan

Fatemeh-Sadat Hosseini Afshar¹✉, Seyed Ahmad NezhadSajadi²

Introduction

smartphones, and other digital tools has made digital media an integral part of everyday life. In this context, children and school students represent one of the most significant and simultaneously vulnerable groups of technology users. From an early age, children are exposed to digital media and online environments, where they spend considerable amounts of time engaging in entertainment, games, social interaction, information searching, and educational activities. While these technologies provide unprecedented opportunities for learning and access to information, they also expose children to various forms of risk that may not correspond with their cognitive, emotional, and social developmental levels.

The virtual environment offers numerous educational and communicational benefits; however, it is also associated with several potential threats. Children may encounter inappropriate content, interact with strangers, experience cyberbullying, disclose personal information, develop internet addiction, or be influenced by misleading and manipulative information. Due to developmental characteristics such as limited abstract reasoning, insufficient critical evaluation skills, and limited awareness of hidden intentions behind media messages, elementary school students are particularly vulnerable to the negative consequences of online environments. Therefore, children's engagement with digital media is not merely a technological issue but also a pedagogical, social, psychological, and cultural challenge that requires structured educational intervention.

In recent years, international research has emphasized that improving children's safety in online environments cannot be achieved solely through restricting access to digital media. Instead, it requires equipping children with cognitive, analytical, and ethical skills that enable them to interact with media in an informed and responsible manner. Within this framework, media literacy has emerged as one of the most effective educational approaches for reducing users' vulnerability to digital risks. Media literacy refers to a multidimensional set of competencies that include the ability to access, analyze, evaluate, interpret, and produce media messages responsibly. In the digital age, media literacy is closely linked with information literacy, digital literacy, critical thinking, and digital citizenship.

From a theoretical perspective, media literacy goes beyond the technical ability to use digital devices. It involves understanding how media messages are constructed, recognizing explicit and implicit purposes behind media content, evaluating the credibility of information sources, identifying misinformation and fake news, analyzing advertising strategies, protecting personal privacy, practicing ethical communication, and participating responsibly in online environments. Individuals who possess higher levels of media literacy are not passive

¹ M.A. Student in Sports Pathology and Corrective Exercises, Payame Noor University, Tehran South, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: f.hosseiniafshar@gmail.com

² Associate Professor, Department of Physical Education, Faculty of Physical Education, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Kerman, Iran.

consumers of media content; rather, they become active and critical participants capable of interpreting and evaluating media messages and resisting manipulative or harmful influences. The importance of media literacy education becomes particularly significant during the elementary school years, which represent one of the most crucial stages in children's cognitive, emotional, and social development. During this period, many behavioral patterns, communication habits, and value orientations begin to form. Early experiences with digital media may have long-lasting effects on children's personality, identity development, and future behavior. Educational psychology suggests that elementary school students often require guidance, modeling, and structured instruction to develop the ability to distinguish between reliable and unreliable information, evaluate messages critically, and regulate their behavior in digital environments. Therefore, introducing media literacy education at an early stage can function as a preventive strategy that helps children develop safe and responsible online behaviors before problematic media habits become established.

In addition to schools, families play a crucial role in shaping children's media behavior. Parents act as the primary socialization agents and can significantly influence their children's digital habits through supervision, communication, role modeling, and setting appropriate rules for media use. Research indicates that media literacy programs tend to be more effective when there is strong collaboration between families and schools, ensuring consistent educational messages and guidance. Consequently, media literacy education should not be confined solely to the classroom; rather, it should be implemented through coordinated efforts among educational institutions, families, and broader cultural and social organizations.

Despite the growing body of research on media literacy and digital safety, many existing studies have primarily focused on adolescents and young adults or have examined general populations of internet users. Relatively limited attention has been paid specifically to elementary school students, particularly girls, whose developmental characteristics and patterns of media use may differ from those of other groups. Moreover, examining this issue within specific local contexts can provide valuable insights into cultural, educational, and social factors that influence children's vulnerability in digital environments. In Iran, the rapid expansion of internet access, widespread use of smartphones, and increasing popularity of social media platforms have intensified concerns regarding children's exposure to online risks. At the same time, media literacy education has not yet been systematically integrated into many school curricula, and several challenges remain, including limited teacher training, lack of structured educational programs, and insufficient collaboration between schools and families.

Considering these issues, the present study aims to examine the role of media literacy education in reducing the vulnerability of female elementary school students in the virtual environment in Sirjan, Iran. The study seeks to explore how media literacy education can enhance students' awareness, critical thinking abilities, digital safety behaviors, and responsible participation in online environments

Methodology

From a methodological perspective, this research is categorized as an applied study because its findings may contribute to the development of educational programs, curriculum design, and policy initiatives related to media literacy education in elementary schools. The research adopts a descriptive-analytical and review-based approach. Data were collected through an extensive review of scientific literature, including scholarly articles, academic books, theses, research

reports, and official policy documents related to media literacy, digital safety, children's online behavior, and elementary education. Relevant sources were identified using key terms such as media literacy, digital literacy, cyberspace risks, online safety, elementary students, digital citizenship, privacy protection, and critical thinking. After collecting the relevant sources, the materials were carefully reviewed, classified, and analyzed based on thematic categories. The primary analytical method employed in this study was qualitative content analysis. In this process, key concepts and recurring themes were extracted from the literature and organized into conceptual categories, including digital risks for children, the role of media literacy in critical thinking development, digital security awareness, prevention of cyberbullying, and the influence of families and teachers on students' media behavior. The analysis aimed to identify patterns across previous studies and interpret the ways in which media literacy education contributes to reducing children's vulnerability in digital environments.

Results

The findings of the study indicate that the presence of elementary school students in digital environments has increased significantly in recent years. Many children now use smartphones, tablets, social media platforms, and online games on a daily basis. Although digital technologies provide valuable educational opportunities, they also increase the likelihood of children encountering online risks such as cyberbullying, exposure to inappropriate content, privacy violations, and misinformation. Another important finding is that the level of media literacy among many elementary school students remains relatively low. Numerous studies indicate that many students lack the necessary skills to critically evaluate media messages, distinguish between reliable and unreliable information sources, or recognize hidden intentions in media content. As a result, they may easily believe misinformation, fall victim to online manipulation, or engage in unsafe online behaviors. The findings further demonstrate that media literacy education plays a crucial role in increasing students' awareness and improving their online behavior. Students who receive structured media literacy instruction show greater ability to analyze media messages, evaluate information sources, and make informed decisions in digital environments. Media literacy education also contributes to strengthening critical thinking skills, enabling students to question the credibility of information and resist the influence of fake news and misleading content. Moreover, the study highlights the significant role of media literacy in enhancing digital security among students. Students who receive training in media literacy demonstrate greater awareness of privacy protection, password security, safe communication practices, and potential online threats. This awareness reduces the likelihood of risky behaviors such as sharing personal information with strangers or clicking on suspicious links. The results also emphasize the importance of families and teachers in promoting media literacy. Parental guidance, active communication, and responsible modeling of media behavior contribute significantly to children's safe and responsible use of digital technologies. Similarly, teachers play a key role in integrating media literacy concepts into classroom activities and fostering students' critical thinking abilities.

Conclusion

In conclusion, the findings of this study indicate that media literacy education is one of the most effective strategies for reducing the vulnerability of elementary school students in digital environments. By enhancing critical thinking, promoting responsible digital behavior, and

improving awareness of online risks, media literacy education can empower students to navigate digital spaces safely and responsibly. Therefore, incorporating media literacy education into elementary school curricula, providing professional training for teachers, and strengthening collaboration between schools and families are essential steps toward preparing children for responsible participation in the digital society.

Keywords: Media literacy, Cyberspace, Digital vulnerability, Digital security, Elementary students.



Article Message

This study emphasizes the importance of media literacy education as one of the fundamental strategies for promoting students' digital safety and well-being. With the rapid expansion of communication technologies and the increasing presence of children in virtual environments, empowering students to interact with digital media in an informed and responsible manner has become increasingly essential. Drawing on the theoretical literature of media literacy and the findings of related studies, this research examines the key dimensions of media literacy education, including the development of critical thinking, information evaluation and analysis, identification of misinformation and fake news, adherence to digital security principles, and protection of personal privacy. The findings indicate that systematic training in these skills can effectively enhance students' awareness and competencies in the safe use of digital media and reduce their vulnerability to online threats. Furthermore, cooperation and interaction among families, schools, and the educational system in designing and implementing media literacy educational programs play a decisive role in promoting a culture of responsible media use and fostering informed and responsible digital citizens. Accordingly, greater attention by educational policymakers to integrating media literacy education into elementary school curricula can serve as an effective step toward preventing cyberspace-related harms and strengthening children's digital safety.

Ethical Considerations

The present research is a review-analytical study, and its data were collected through the examination of scientific sources, books, research articles, and valid national and international documents. Therefore, no direct intervention involving human participants, questionnaires, interviews, or field participation was conducted in this study. Nevertheless, the researchers adhered to the principles of research ethics throughout all stages of the study. These principles include academic integrity, accurate and proper citation of sources, avoidance of any form of distortion or selective use of data, honesty in the analysis and interpretation of findings, and respect for intellectual property rights of scholarly works. Furthermore, efforts were made to ensure the credibility and reliability of the research findings by using valid and up-to-date sources and by maintaining transparency in scientific reporting.

Authors' Contributions

Ethical standards including informed consent, confidentiality, and integrity in data analysis were duly observed.

- Conceptualization: Fatemeh-Sadat Hosseini Afshar; Seyed Ahmad Nezhadsajadi
- Data Collection: Fatemeh-Sadat Hosseini Afshar
- Data Analysis: Seyed Ahmad Nezhadsajadi; Fatemeh-Sadat Hosseini Afshar
- Manuscript Writing: Fatemeh-Sadat Hosseini Afshar
- Review and Editing: Seyed Ahmad Nezhadsajadi
- Funding Acquisition: Fatemeh-Sadat Hosseini Afshar; Seyed Ahmad Nezhadsajadi
- Literature Review: Fatemeh-Sadat Hosseini Afshar; Seyed Ahmad Nezhadsajadi
- Project Administration: Fatemeh-Sadat Hosseini Afshar; Seyed Ahmad Nezhadsajadi
- Other Contributions: Joint collaboration in others

Conflict of Interest

This research received no financial support from public, commercial, or non-profit sectors. The authors declare that there is no conflict of interest regarding the conduct and publication of this study.

Funding

This study did not receive any financial support from public or nonprofit organizations.

